

پیش‌خوران

در حاشیه انتشار واپسین یادنامه زنده‌یاد آیت‌الله‌حسن‌زاده‌ آملی

اجتماع مطلق اندیشه و عمل

■ محمدرضا کائینی



به بزرگداشتنامه‌ای که در روزهای اخیر از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی و برای زنده‌یاد آیت‌الله حسن‌نشر یافته است، می‌توان واپسین یادنامه آن بزرگ

صفت داد. در این دفتر اوصاف آن دانشی مرد، از سوی تنی چند از فرهیختگان روایت و تحلیل گشته که خواندنی می‌نماید. حسن بلخاری فهی، رئیس آثار و مفاخر فرهنگی در بخشی دیباچه خویش بر این اثر چنین آورده است:

«هرحوم استاد حسن‌زاده آملی از جمله عالمان ذوفنونی است که در ذات حکمت‌او، اجتماع اجتماعی و علمی خویش این‌ اجتماع را محقق ساخت و به‌ویژه در عرصه عرفانی، سلوک عبادی و اخلاقی را بستر تحقق و تعالی اندیشه نظری خود قرار داد. در حوزه تأمل، تحقیق و تتبع در علوم، عناوین آثار آن حکیم نشان می‌دهد که در علوم ریاضی، نجوم، حدیث، فقه، فلسفه، عرفان، کلام، تفسیر، شعر، ادبیات، اخلاق و تسلط به زبان‌های عربی و فرانسه استاد بود.

سه سال پیش که انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، مراسم بزرگداشت آیت‌الله جوادی آملی را برگزار کرد، حقیر در آن مراسم و در شرح خصال جناب آیت‌الله جوادی آملی هم مقالتی نگاشتم و هم مطلبی را در سخنرانی خود ارائه کردم که مهم‌ترین نکته آن، مؤانست ذاتی سه گوهر بی‌تظیر در اندیشه و تمدن اسلامی بود. یکی گوهر تقوا و دیگری گوهر عقل و سوم گوهر حکمت. بین این سه، بنا به تعریفی که در لغت از این سه گوهر وجود دارد، مؤانست هست. گرچه در قلمروی مفهوم، فضاهای متفاوتی را شامل می‌شوند، لیکن در



▼ زنده‌یادعلامه آیت‌الله حسن‌حسن‌زاده آملی

قلمروی ریشه و لغت، نسبتی جوهری با هم دارند و همان نسبت جوهری از دیدگاه این حقیر، عامل مؤانست ذاتی این سه گوهر و همشینی جوهری آنهاست. مسئله‌ای که اینجا را به هم پیوند می‌دهد و این مؤانست را ایجاد می‌کند، این است که هر

سه در لغت، به معنای منع‌اند. بدین معنا که اگر یک عالم علم لغت به بطن این سه واژه نظر کند، متوجه می‌شود که هر سه واژه اشاره به منع دارند: نگاه داشتن (تقوی)، بند بر پای نهادن (عقل) و لگام زدن (حکمت). معتقد هستم نسبتی که در لحاظ لغوی بین این سه واژه وجود دارد، می‌تواند مبنای یکوی استنتاج جوهری شود، به این معنا که «تقوا» در ذات خود اگر به حقیقت باشد، عقل و حکمت را در بطن خود دارد، اگر حکمت به حقیقت، حکمت باشد در ذات خود تقوا و عقل را هم دارد و اگر عقل به حقیقت، روحانی باشد (به همان معنا که در قرآن هم‌ردیف نقل و سماع آمده، وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقَلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّمْعِرِ، ملک، ۱۰) در ذات خود، هم حکمت و هم تقوا را دارد.

البته اینجا بحثی وجود دارد که در آن جلسه هم به آن اشاره کردم که چرا این سه مفهوم بنیادین و گوهرین، هر سه از سر منع و عقل و وقایه معنا پیدا می‌کنند. شاید از این رو که در خلقت انسان، ابتدا فجور بر انسان الهام شد: **وَنَفَسًا وَسَمَا فَأَنفَاها فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا**. (شمس، ۷) و کسی تا به ترکیه نرسد و فجور را نزاید، منع از بنابراین نامشروع نفس نکند، به حقیقت رستگار نمی‌شود و این داستانی برای خود دارد که بماند برای فرصتی دیگر. این نکته را عرض کردم تا بگویم عالمان حقیقی در تمدن اسلامی، صاحب این سه گوهرند و بر بنیاد حکمت جوهری‌شان، عقلانیتی در اندیشه و تعلیم‌شان وجود دارد که مثال‌زدنی است و بر بنیاد این حکمت، تقوایی در گفتار و کردار و خصال و سیره و حیانتشان وجود دارد که این هم مثال‌زدنی است و این را یکی از مضامین مؤانست جوهری عقل و حکمت و تقوا می‌دانیم…»

تاریخ



دهه ۶۰ فقها و حقوقدانان شورای نگهبان در بزرگ قاب

امام خمینی در مورخه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۳، ش، در **سخنان مهمی در باره جایگاه شورای نگهبان اظهار داشتند**: **«چنانچه مشاهده می‌شود، افرادی که نظریه شورای محترم نگهبان در ابطال یا تأیید بعضی حوز ه‌ها، موافق میل‌شان نبوده است، دست به شایعه افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان – ایدهم الله تعالی – را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند، تضعیف یا خدای ناکرده توهین می‌نمایند. من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان، امری خطرناک برای کشور و اسلام است…»**(۴)

خودمان اکثریتی در یک مورد داشتیم، بیشتر آن را می‌گرفتیم، مگر اینکه مجلس زیر بار نمی‌رفت، مواردی هم بود که مجلس، اصلاحات شورای نگهبان را نمی‌پذیرفت و این قوانین قهراً به همین صورت می‌ماند. بعداً که مجمع تشخیص مصلحت آمد، این مشکلات حل شد، ولی در آن وقت که مجمع تشخیص نبود، ما همیشه در شورای نگهبان این مشکل را داشتیم که چه کنیم. سرانجام راه‌حلی که میان اعضا مقبول واقع شد، این بود که نظر امام را مقدم داریم.»^(۵)

■ **مخالفان شورای نگهبان**

از همان ماه‌های ابتدایی شروع به فعالیت شورای نگهبان، حمله دشمنان نظام و ضدانقلاب از یکسو و از سوی دیگر، اعتراض عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و سیاسیون داخلی، به موضوع و تصمیمات شورای نگهبان آغاز شد. البته حمله رسانه‌های بیگانه فارسی زبان به شورای نگهبان، با توجه به جایگاه مهم و اساسی آن در حفاظت و نگهدیانی از مصالح اسلام و نظام امری طبیعی تلقی می‌شود، اما در نبره افرادی نیز در داخل بودند که شروع به مخالفت با رویکرد امام و تصمیمات شورای نگهبان کردند. به ویژه در سال ۵۹، مخالفت سران و اعضای سازمان مجاهدین خلق و نیز شخص ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور آقایان: علی آراه، گودرز افتخار چهرمی، محمدصالحی، حسین مهر پور محمدآبادی، محسن هادوی و مهدی هادوی را برای عضویت در شورای نگهبان بر گزیدند و به این ترتیب، شورای نگهبان به شکل رسمی و در عصر همان روز فعالیت خود را آغاز کرد.^(۶)

■ **اختلاف نظرها با رجوع به رهبر انقلاب بر طرف می‌شد**
براساس خاطرات آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی (از فقهای منصوب اولین دوره شورای نگهبان)، فقها و حقوقدان‌ها در دوره اول این نهاد، با نگاه بسیار سختگیرانه به مسائل ورود می‌کردند. به ویژه در میان فقها، بر حوصم آیت‌الله صافی گلپایگانی با قوت مثال‌زدنی و قدری سخت‌گیری، مصوبات مجلس را برای عدم مغایرت با قانون اساسی و موافقت مجلس نبوده است، دست به شایعه افکنی زده و اعضای محترم شورای نگهبان – ایدهم الله تعالی – را که حافظ مصالح اسلام و مسلمین هستند، تضعیف یا خدای ناکرده توهین می‌نمایند و به پیش اعلامیه و خطابه در مطبوعات و محافل دست‌زدانند… من به این آقایان هشدار می‌دهم که تضعیف و توهین به فقهای شورای نگهبان، امری خطرناک برای کشور و اسلام است…»^(۷)

«بعضی از دوستان اعتقاد داشتند که چون ما ناظریم، باید معیار فتوای اکثریت فقهای شورا باشد. اگر اکثریت تشخیص بدهد که مغایر با احکام شرع هست، همین کافی است، زیرا دیگران که نمی‌توانند به نگر محتمل کنند. شورای نگهبان را به‌عنوان فقیه خواسته‌اند نه مقلد. اگر می‌خواستند فتوای دیگران را در نظر بگیرند که نیازی به حضور فقیه و مجتهد در شورا نبود. یک فرد غیر فقیه و مجتهد هم رساله‌ها را نگاه می‌کرد و بعد می‌گفت: این موافق است یا مخالف. من بیشتر طرف‌دار این بودم که نظر اکثریت خود فقها ملاک باشد. برای مدتی این هم به‌منظور عمل می‌شد، ولی در برخی موارد این اشکال پیش می‌آمد که گاهی مجلس اصرار داشت که بعضی از لوائح و قوانین، به خاطر مصالح وقت تأیید و به اجرا گذاشته شود، مثل قضیه تقسیم اراضی، امری کشت موقت و از این قبیل مسائل که در آن زمان مطرح بود. اشکال دیگر این بود که در بعضی از موارد، فتوای امام با نظر فقهای شورای نگهبان تفاوت داشت…»

در اینجا بالاخره به نظر امام مصالحه می‌کردیم، اگر

از بین آنها شش نفر را برای عضویت در شورای نگهبان

انتخاب کنند. براساس اصل ۹۹، این شورا وظایف بسیار مهمی دارد که از میان آنها «نظارت بر قانونگذاری»، «تفسیر قانون اساسی» و «نظارت بر انتخابات»، دارای اهمیت ویژه و مهمی هستند. در واقع براساس این اصل و در بخش «نظارت بر انتخابات»، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و نظارت بر مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی‌ها، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است. همچنین جایگاه و اعتبار ویژه شورای نگهبان، به اندازه‌ای است که براساس اصل ۹۳ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی بدون وجود شورای نگهبان، اعتبار قانونی ندارد.»^(۸)

■ **صدور فرمان تشکیل شورای نگهبان، در بیمارستان قلب**

بعد از تأیید قانون اساسی با رأی مردم و سپس برگزاری اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران، باید زمینه برای برگزاری اولین دوره مجلس شورای اسلامی فراهم می‌شد، ولی قبل از آن و برای اعتبار بخشی به این مجلس، لازم بود که نهاد انقلابی شورای نگهبان تشکیل شود. در آن مقطع امام خمینی در شرایطی که به خاطر حمله قلبی در بیمارستان قلب تهران بستری بودند، پیگیر مسائل کشور بوده و همان برهه، حکم انتصاب فقهای شورای نگهبان را صادر کردند. اولین اعضای فقهای شوری نگهبان که با حکم امام به عضویت این شورا در آمدند، عبارت بودند از: آیات: احمد جنتی، عبدالحیم ربانی‌شیرازی، غلامرضا زبوانی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، یوسف صاعی و محمدرضا مهدوی کنی. این انتصاب در تاریخ اول اسفندماه سال ۱۳۵۸، ش انجام شد و امام خمینی در احکام جداگانه‌ای که برای این افراد صادر کردند، مرقوم کرده بودند:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

بنابراسر اصل ۹۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی که به‌منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها، شورایی به‌نام شورای نگهبان تشکیل می‌شود که وظایف و مهمی نقش نغز از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز از این شورا به‌عهده اینجانب می‌باشد. بنابراین جنابعالی را به‌عنوان یکی از شش فقیه، به‌عضویت شورای نگهبان منصوب می‌نمایم. از خداوند متعال موفقیت هر چه بیشتر شما را امیدوارم. روح‌الله الموسوی‌الخمینی

اول اسفند ماه ۱۳۵۸ برابر ۳ ربیع‌الثانی ۱۴۰۰»



تیسر ۱۴۰۱ قضای از یکی از جدیدترین جلسات شورای نگهبان

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۶۵۳۱

استصوابی شورای نگهبان بودند. این تفسیر به رأی قانون، با واکنش علما و بزرگان نظام مواجه شد، به‌عنوان مثال زنده‌یاد آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی در آن مقطع، به شکل مفصل پاسخ اینگونه شبهات را به مردم ارائه می‌کردند. چنانچه ایشان درباره «استصوابی یا استطلاعی» بودن نظارت شورای نگهبان، چنین پاسخ گفتند:

«استصواب در لغت به معنای صواب دید است و مقصد از نظارت استصوابی که در مقابل نظارت اطلاعی یا استطلاعی است، این است که ناظر علاوه بر کسب اطلاع، صواب دید هم می‌نماید، یعنی می‌تواند حکم و دست‌نور هم صادر نماید و حکم او نیز مطاع و نافذ است. به‌عبارتی، منظور از نظارت استصوابی این است که اعمال حقوقی، زیر نظر مستقیم و با تصویب و صلاحدید ناظر انجام می‌شود. فلسفه نظارت، اصلاح امور و جلوگیری از مفاسد و انحرافات است و این تنها با نظارت فعال و استصوابی امکان‌پذیر است و استطلاع کافی نیست. بنابراین به اصطلاح فقهی، تناسب حکم و موضوع نشان می‌دهد که نظارت مصوب، همان نظارت استصوابی است…»^(۹)

البته بعدها همین جریان در ماجرای ارائه «لایحه اصلاح قانون انتخابات» (لوائح دولتی) توسط سیدمحمد خاتمی برای افزایش اختیارات ریاست

جمهوری و محدود کردن اختیارات شورای نگهبان به مجلس، حولات به شورای نگهبان را تشدید کردند. با این همه شورای نگهبان بدون توجه به جنجال افربنی وسیع رسانه‌های وابسته به اصلاح طلبان، پس از بحث و بررسی درباره لایحه اصلاح قانون انتخابات، مصوب مجلس شورای اسلامی را در ۳۹ مورد معایر قانون اساسی و در هفت مورد خلاف شرع تشخیص داد. از آن پس اما از آنجا که در آن برهه مردم به دلیل عملکرد بسیار بد شورای شهر اول تهران، از اصلاح‌طلبان رویگردان شده و به فهرست آبادگران ایران اسلامی رای داده و شورای شهر دوم تهران عملاً به دست جریان انقلابی افتاده بود، اصلاح‌طلبان مجبور شدند مسیر جدیدی را برای حمله به شورای نگهبان در پیش بگیرند، زیرا به دلیل رفتارهای ساختارشکنانه اکثریت نمایندگان مجلس ششم، مردم نگاه انتقادی نسبت به ایشان پیدا کرده بودند. اصلاح‌طلبان برای نجات از وضعیت به وجود آمده، ثبت‌نام فله‌ای و هججه به شورای نگهبان را در دستور کار خود قرار دادند. چنانچه مصطفی تاجزاده از اعضای برجسته حزب مشارکت در تاریخ ۱۵ دی ۱۳۸۲، ش در مصاحبه با «روزنامه اعتماد» و با مطرح کردن اینکه «جنبش اصلاحی آخرین انتخاب ملت ما در چارچوب جمهوری اسلامی است و شکست اصلاحات به معنای شکست جمهوری اسلامی است.»، با زبانی تهدیدآمیز عنوان کرد: «فقا به‌گونه‌ای نیست که شورای نگهبان جرئت کند، ۵۰۰ نفر را رد صلاحیت کند… چون می‌دانند اصلاح‌طلبان در این زمینه برنامه‌های جدی را اجرا می‌کنند…»^(۱۰)

اما در عمل و با وجود ثبت‌نام فله‌ای اصلاح‌طلبان برای انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان باز هم بدون توجه به هجمه فراوان جریان چپ به این نهاد، بر اساس قانون و رساله محکم، ۳۶۱۰ نفر از کاندیداهای ثبت‌نام‌کننده را ردصلاحیت کرد. البته در این بین ردصلاحیت شده‌ها، ۸۵ نفر از نمایندگان مجلس ششم به دلیل عملکرد ساختارشکنانه و ضدنظام خود نیز ردصلاحیت شدند. با اعلام این خبر، جمعی از نمایندگان مجلس ششم در اعتراض به ردصلاحیت‌ها (و در واقع علیه نظام) دست به تحصن زدند که به دلیل بی‌اعتنایی کامل مردم به آن نمایش سیاسی، عمل‌اتیرشان به سنگ خورد و در آن جریان نیز، شورای نگهبان با اقتدار به وظیفه خود عمل کرد.

■ **کلام آخر**

شورای نگهبان علاوه بر عمل به وظیفه تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی، از ابتدای تأسیس تا به امروز، مجموعاً ۱۳ انتخابات ریاست جمهوری، ۱۱ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، شش انتخابات مجلس خبرگان رهبری، یک همه‌پرسی بازنگری قانون اساسی و ۱۶ انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری را نظارت کرده است و با وجود اینکه به بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی: «شودن نظام انقلابی هم در تبلیغات پرهزاش یکی از نقاطی که متصل – شاید در هیچ برهه‌ای نباشد که این نقطه را فراموش نکنند – مورد مباران تبلیغاتی قرار می‌دهند، شورای نگهبان است…»^(۱۱) همچنان عملکردی درخشان در نظارت بر مصوبات مجلس و حفظ و حراست از قانون اساسی و شرع مقدس در عمر چهارده‌ای نظام جمهوری اسلامی داشته است که قطعاً در خور تقدیر است.

■ **منابع:**

- دانشنامه جهان اسلام، جلد ۲۷، چاپ ۱۳۹۸، ش، صص ۷۳۳
- همان، صص ۷۴۴
- خواجه سسروی، غلامرضا، *خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۸۵*، ش، صص ۳۴۴ تا ۳۴۶
- صحیفه امام، جلد۱، صص ۴۳۱
- مصباح یزدی، محمدتقی، «پرسش‌ها و پاسخ‌ها»، جلد سوم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، چاپ چهارم، ۱۳۷۹، ش، صص ۷۶– ۱۷۷
- علوی‌نیک، سلمان، «قش‌حزب کارگران»، مجموعه *اعتراقات فتنه ۸۸–*، جلد سوم، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول ۱۳۹۲، ش، صص ۶۱ و ۶۳
- بیانات رهبری در دیوار *با اعضای شورای نگهبان در تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۸۶*، ش.